

آیا حفظ قرآن پاک جریان معنوی در جامعه ایجاد کرده ایم؟! بخش پایانی



گفت و گو با پنج جوان حافظ کل قرآن کریم

عمیقی داریم به اسم قرآن، می‌تواند بهترین راهنما و دستگیر باشد. از طرف دیگر، فطرت پاک جوان هیچ موقع خاموش نمی‌شود، همیشه جست‌وجو می‌کند. اما این را باید گفت که ما برای جوان چه کار کردیم؟ فقط او را متهم نکنیم. محمد مادرشاهی

من فکر می‌کنم متولیان علوم قرآنی، مخصوصاً در حفظ، هشتاد درصد کارشان را انجام داده‌اند. حافظانی مثل جواد فروغی و علم‌الهدی در این چند سال، قرآن را به جوان‌ها معرفی و عرضه کردند. ما هم باید بگوییم این به شما عرضه شده، شما دو روحیه دارید، یک روحیه تأثیرپذیری و یک روحیه برتری و استقلال خواهی، آزادی خواهی. چرا شما از این امتیاز استفاده نمی‌کنید؟! اگر این دیدگاه را برای جوان عرضه کنیم که از خودت رفع مسئولیت نکن، از آن طرف کار خودمان را هم بکنیم به نتیجه مطلوب می‌رسیم. مشکلی که در این زمینه برای جوان‌ها داریم، ایجاد زمینه است.

سیدمحمدحسین حسینی
چون کم‌کاری کردیم و پاپس کشیدیم، کسانی دیگر پا پیش می‌کشند. وقتی چیزهایی که هیچ فایده‌ای ندارد ذهن او را پر کرد، نتیجه‌اش چه می‌شود؟ جوان، حالت خمودگی پیدا می‌کند. مثلاً بر سر سفره، انواع غذاها را روبه‌روی شما بگذارند از هر غذایی یک قاشق بخورید بعد از چند دقیقه یک سیری کاذب به شما دست می‌دهد! فکر می‌کنید یک شکم سیر خورده‌اید در حالی که اصلاً غذایی نخورده‌اید! جوان امروز چنین بلایی به سرش آمده؛ هر چه داشته‌ایم به او داده‌ایم هرچه را دیده تجربه کرده و حالا یک بی‌اشتهایی کاذب در او ایجاد شده ... با این حال، توقع از او داریم که به همه آن‌چه داریم توجه کند و دلش جای دیگر نباشد

از خانواده‌ها رفت و آمد دارند اما بعد از چند سال می‌فهمند که این آقا حافظ قرآن است! اما پدرم این جور نیست. هر کجا می‌رویم می‌گویند این‌ها حافظ هستند و این‌گونه حفظ کرده‌اند. خود این حرکت، تأثیری داشته است.

دیداراشنا:

قبول دارید، حافظان نتوانسته‌اند به صورت عمومی و فراگیر در جامعه موج ایجاد کنند؟

محمدابراهیم پیرعباسی
این طور نیست که حافظ برود در جامعه بگوید من حافظ هستم و می‌خواهم برنامه اجرا کنم!

دیداراشنا:

اگر جامعه بیاید سراغتان، چه؟ اگر مدیر دبیرستان بیاید سراغتان و بگوید در میان دانش‌آموزان، یک ساعت تلاوت قرآن داشته باشید و سؤال‌های بچه‌ها را جواب دهید، همه قبول می‌کنند؟ بحث تکلیف اجتماعی است...

محمد هاشم‌پور
من زیاد دیدم، بعضی با اکراه قبول می‌کنند. برای‌شان وظیفه تلقی نمی‌شود. شاید خیال می‌کنند که اهمیت ندارد و اهمیتی را درک نکرده‌اند. بعضی هم فکر می‌کنند خودنمایی می‌شود!

دیداراشنا:

در جمع خودتان آیا در این زمینه به تکلیف ایمان دارید یا نه؟! محسن ابراهیمی
جامعه ما با گذشته فرق کرده، قبلاً جوان‌ها کم‌تر به خودشان اتکا داشتند. اطلاعاتشان، تجزیه و تحلیلشان کم‌تر بود، اما الان اتکا به خود در جامعه امروزی بیش‌تر شده است. قبلاً جوان‌های ما خودشان می‌رفتند از بزرگ‌ترها و علما حرف می‌شنیدند؛ اما الان طرف می‌نشیند پای کامپیوتر و اینترنت، خیلی راحت مغزش پر می‌شود. اگر در چنین جامعه‌ای راهنما و دستگیر نداشته باشد، حتماً زمین می‌خورد.

دیداراشنا:

ما اعتقاد داریم جوان‌ها دنبال تحقیق هستند و عطش دارند، این وسط ما مقصر هستیم یا نه؟ من حافظ قرآن آیا با این جوان مراوده داشته‌ام یا نه؟ به جای قرآن چه چیزهایی بر ذهن و فکرش اثر گذاشته است، این‌ها درست است یا نه؟ و من وظیفه‌ام چیست؟ ماکاری کرده‌ایم یا نه؟ بزرگ‌ترها هم همین‌طور، به جوان می‌گوییم این سیدی را نبین، به جایش این سیدی خوب مداحی یا قرآن را بهش داده‌ایم یا نه؟ وقتی بهش می‌گویی ترانه گوش نده، آیا جایش یک نوار تلاوت بسیار قشنگ قرآن به دستش داده‌ایم یا نه؟ ما چه کار کرده‌ایم؟

دیداراشنا:

محسن ابراهیمی
خیلی‌ها جوان را ماکت فرض می‌کنند و می‌گویند، ما رویش کار نکردیم! اصلاً این حرف‌ها نیست، جوانی، یعنی راه زندگی پیدا کردن و احساس مسئولیت کردن. جوانی که استقلال دارد و مهم‌ترین نکته زندگی‌اش راه زندگی پیدا کردن است، چرا باید بایستد تا انواع اطلاعات بیاید روی سرش بریزد؟! من می‌خواهم بگویم درصد بسیار زیادی از مشکل جوان‌ها قابل حل است. یک دریای

آشاره:

در شماره پیشین، بخشی از گفت‌وگو «دیداراشنا» با حافظان قرآن را خواندید و با دغدغه‌های آن‌ها در حفظ قرآن، تأثیرات معنوی آن بر روح و جانشان، و حتماً متوجه شدید که در لابه‌لای کلمات صمیمانه‌شان، اندوهی نهفته و بغضی پنهان از بی‌توجهی برخی مردم نسبت به قرآن وجود دارد. در آخرین بخش این گفت‌وگو که جذاب‌تر از بخش پیشین است، از کارکرد اجتماعی و تأثیرات قرآن بر جامعه سخن به میان آمده است و نیز حضور و کوتاهی که برخی قرآن‌پژوهان و حافظ قرآن در این میان داشته‌اند ...

دیداراشنا:

خوب، به جنبه‌های اجتماعی هم بپردازیم. ببینید، دو سه نفر قاریان خوب با اجرای قرآن، تجربه خوبی در جامعه‌مان داشتند. از قاریان نوجوان جواد فروغی، و از حافظان خوب سید محمد حسین طباطبایی که موج ایجاد کرد، آیا شما هم این جور تجربه‌ها را بین جوان‌ها در اجتماع داشته‌اید که انگیزه‌ای ایجاد کند؟! محمد هاشم‌پور

کسی که حافظ قرآن است همین که دارد با هم سن و سال‌های خودش صحبت می‌کند اگر به قرآن استناد کند، خود این حرکت، جریان‌ساز است: خیلی معقول و بدون افراط.

دیداراشنا:

ببینید، دوستان حافظ کل، وارد اجتماع شدنند که تأثیر بگذارند یا نه؟ سؤال این است. همیشه باید تلویزیون، فیلمی از یک حافظ کل بگذارد و تأثیر گذارد؟ یا خود افراد هم به‌نوبه خود می‌توانند تأثیر بگذارند؟ اصلاً آیا آموزشی برای این کار بوده است؟

محمدابراهیم پیرعباسی

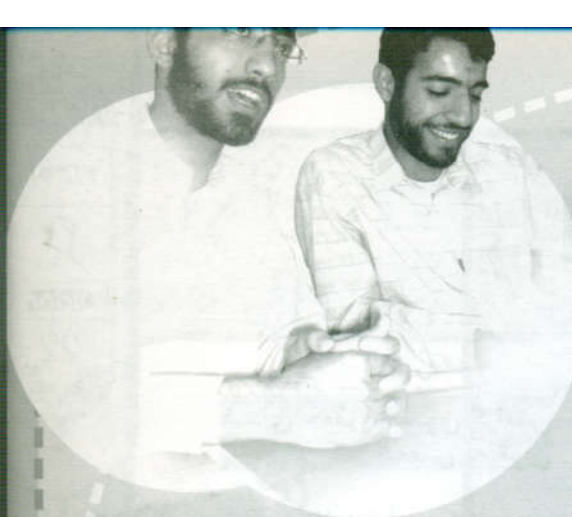
من و برادرم هر دو حافظ هستیم. رفت و آمدهای خانوادگی که داشته‌ایم بر فامیل تأثیر زیادی داشته است. نکته‌مهم این‌که، بعضی حافظ قرآنند و با خیلی

دیداراشنا:

ببینید، ما از ابزار روز چه قدر استفاده کردیم؟ یکی از ابزارها این است که برویم در دبیرستان و برای صد تا دانش‌آموز صحبت کنیم، وجد ایجاد کنیم، بعد از این به عهده مدیر و مشاور دبیرستان است که وجد را به یک زمینه فرهنگی تبدیل کند. کلاس بگذارند و از شما دعوت کنند برای آن‌ها کلاس بگذارید من در مجله خود هم همین‌طور، می‌آیم یک انسان موفق در زمینه قرآن را معرفی می‌کنم می‌گویم: آقای جوان ۲۲ ساله! یک ۲۲ ساله دیگر عین تو زحمت کشیده به این جا رسیده، ناامید نباش. او ذهنت را با قرآن پر کرده، تو چه کرده‌ای؟! تلویزیون ما هم به کمک ما می‌آید ضمن این‌که ما باید با ابزارهای جدید هم معرفی کنیم: از اینترنت استفاده کنیم. آیا سایت‌های قوی داریم که بچه‌ها شبهه‌ها و سؤال‌های قرآنی‌شان را پیدا کنند و جواب بگیرند؟

جوان‌ها با ما در ارتباطند الان نشریه ما را که خوانند، خواستند وارد حیطه قرآن شوند، عکس شما پنج نفر را دیدند، بعد در خیابان بگویند آقای سردبیر دیدار! این حرف‌ها را که زدید من با این افراد کار دارم، آدرس‌شان را به من بدهید اگر من آدرس و تلفن شما را بدهم، از نظر اجتماعی برای امثال این جوان وقت می‌گذارید؟ یا فقط قرآن را حفظ کرده‌اید برای استفاده علمی و معنوی خودتان؟! خواهش می‌کنم حسی جواب دهید کلی نگویید. یک مثال می‌زنم: به آقای گفتند دزدی نیمه‌شب رفته دزدی، گفته: ا، نصف شب رفته دزدی نماز شبش را کی خوانده است؟! حالا چون





به مفاهیم و تفسیر آیات قرآن کریم است. حال این که اگر دقت کنیم محوریت آیات قرآن کریم بر عقل‌گرایی، تدبیر و تفکر است که بارها و بارها ختم آیات با «افلاتقلون»، «فلاتتفکرون» و «افلا تذکرون» است و در ۲ جای قرآن، خداوند به تصریح کسانی را که تدبیر در قرآن نمی‌کنند سرزنش می‌کند و می‌فرماید: «افلاتتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها» که در این آیه عدم تدبیر و توجه به مفاهیم آیات را نشانه قساوت و وجود قفلی می‌داند که بر قلب‌ها زده شده است. با وجود توجه بر محوریت قرآن کریم بر تعقل و تدبیر بر آیات - که مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره فرموده و بر توجه به مفاهیم و تفسیر آیات در سال‌های اخیر تأکید فراوان داشته‌اند - متأسفانه نه تنها به این تأکیدات توجهی نشده، بلکه حتی مشاهده شده که در مواردی، مقابل بیانات ایشان عمل کرده‌ایم. به عنوان مثال، در سال قبل در جلسه دیدار شخصیت‌های قرآنی کشور، ایشان همه‌چون گذشته، تأکید بر این مطلب می‌فرمودند اما با این وجود، باز یکی از قاریان برجسته کشوری و بین‌المللی به عنوان حسن ختام مجلس اجرا می‌کرد، آیات بهشت را با سبک حزن خواند که مقام معظم رهبری پس از تلاوت ایشان به توجه در مفاهیم و محوریت آن تأکید فرمودند و جامعه قرآنی را به این بزرگ‌ترین نقص، متنبه و متذکر ساختند.

دیدار آشنای:

ان‌شاءالله که این فضا فراهم شود و تفسیر هم از مهجوریت دربیاید. برای همه‌تان آرزوی موفقیت می‌کنیم. ان‌شاءالله این گفت‌وگو به نحو احسن در نشریه انعکاس پیدا کند.



لا احب الاقلین زد» اگر داستان حضرت ابراهیم را نداند، نمی‌تواند از این شعر استفاده کند یا حافظ یا سعدی از آیات قرآن استفاده کرده‌اند و یا عطار که اسم کتابش را منطق‌الطیر گذاشته از قرآن استفاده کرده است.

دیدار آشنای:

سؤالی که مطرح است این است که آن‌هایی که قرآن را حفظ می‌کنند لزومی دارد بدانند این آیه در صفحه چند در پایین یا بالای قرآن است؟ لزومی به این جور آدرس‌ها دادن و به این حواشی ذهن را مشغول کردن هست یا نه؟ یا این که نه، وقتی برای این کار نگذاشته‌اید، این قدر تمرین کرده‌اند که این‌طور حفظ شده‌اند؟

محمد ابراهیم پیرعباسی حفظ، مراتب زیادی دارد، کسی که این جور مشخصات را بلد باشد، تسلطش بیش‌تر است. محمد مادرشاهی این، از تبعات حفظ است. نوعی تسلط است که بدانیم این آیه در یا در ابتدا پایین صفحه قرار دارد. محمد هاشم‌پور آقای جوادی آملی می‌فرمودند که شما که جوان هستید حتما شماره سوره‌ها را حفظ کنید، خیلی کاربرد دارد، در آدرس‌دادن‌ها خیلی کارایی دارد.

دیدار آشنای:

میان این همه حافظ قرآن، فکر می‌کنید چند نفر مفسر قرآن می‌شوند؟! بحث تعمیق قرآن چه جایگاهی بین جوان‌های حافظ دارد؟! محمد مادرشاهی متأسفانه انس به تفسیر قرآن نیست!

دیدار آشنای:

آیا این جریان فکری در دوستان طلبه ایجاد شده، که وقتی قرآن حفظ می‌کنند به فکر تفسیر قرآن هم باشند؟ محمد هاشم‌پور متأسفانه خیلی کم کار شده است.

نقل شده است که بنده‌خدایی به آقای خویی گفته بود که تفسیری که شما می‌گفتید چرا دیگر نمی‌گویید؟! چه‌طور علامه طباطبایی در قم ادامه دادند، شما ادامه نمی‌دهید؟ آقای خویی گفته بودند: که علامه طباطبایی خودشان را قربانی کردند. در حوزه یک نفر کفایه درس می‌دهد چه قدر شأنش بالا است نسبت به کسی که تفسیر درس می‌دهد. آقای قرائتی می‌گفتند: که آقای بروجرودی درس می‌داد مسجد اعظم شلوغ می‌شد بعد از درس آقای بروجرودی، یکی از علما تفسیر داشت فقط چهار پنج نفر بودند! یک سری ریشه‌های تاریخی دارد...

محمد مادرشاهی اگر طلبه‌ای بگوید کفایه می‌خوانم خیلی‌ها می‌گویند: به‌به! اما اگر کسی بگوید تفسیر می‌خوانم، شاید کم‌تر به او توجه کنند!

نکته دیگر این‌که، فکر می‌کنم در باور بعضی طلبه‌ها این است که خواندن و تفسیر کارکردن کاری ندارد؛ یعنی آدم، قرآن را باز می‌کند و آن‌چه که فهمیده می‌گوید یک چند تا روایت هم کنارش می‌گذارد! کسی که بخواهد اصول کار کند خیلی باید کار کند و تأمل داشته باشد، اما اگر کسی بخواهد تفسیر کار کند، ذهنیت این جور است که کاری نکرده، دست‌کم گرفته می‌شود!

سید محمدحسین حسینی یک از نواقص بسیار بزرگ جامعه قرآنی امروز، عدم توجه

آقا اهل نماز شب بوده، فکر کرده نصف شب فقط باید نماز شب خواند! ببینید از حیطه کاری خودمان بیاییم بیرون. جوان‌ها دغدغه‌هایی دارند، که نمی‌توانند به قرآن فکر کنند، حالا باید زمینه‌هایی ایجاد کنیم که به قرآن فکر کنند؛ که من این زمینه را در مصاحبه با شما در نشریه دارم ایجاد می‌کنم، آقای فروغی یا علم‌الهدی رفتند این طرف و آن طرف صحبت کردند، آیا کافی بوده؟! مجله تخصصی قرآن داریم، این همه صحبت شده، باز در جوان‌ها تأثیر کافی نگذاشته است، چرا؟! بالاخره شما هم جزو آن جوان‌ها هستید حتما جوابی دارید ...

محمد مادرشاهی یک‌وقت بحث مشکل است، یک‌وقت بحث راه‌کار است. من فکر می‌کنم مشکل اصلی، بحث اراده جوان‌ها است. مشکل اصلی این است. اگر تمام جهان هم علیه جوان باشد جوان با قوه جوانی خودش می‌تواند راه خودش را ادامه دهد. اما در بحث راه‌کار، یکی این‌که ما فعالیت اجتماعی‌مان را بیش‌تر کنیم، و دیگر این‌که ادبیاتمان را با جامعه عوض کنیم. تغییر نوع گفتار با جوان‌ها، این یک راه‌کار خیلی مهم است. بله! اگر ما فعالیت‌مان را بیش‌تر کنیم بیش‌تر می‌توانیم تأثیرگذار باشیم، کم‌کاری ما هم بوده است که جوان، کم‌تر آشنا شده است.

دیدار آشنای:

برای این‌که بحث‌مان پایان خوبی داشته باشد، یک خاطره قرآنی نقل کنید.

محمد هاشم‌پور برای ورود به مدرسه، امتحان حفظ قرآن می‌گرفتند، حداقلش هم ۲۲ جزء بود. من هم اصلاً آماده نبودم. اصلاً نخوانده بودم، خیلی دوست داشتم که در امتحان قبول شوم، وقتی که داشتم می‌آمدم قرآن را برداشتم تا در اتوبوس بخوانم. در راه صفحه‌ای از قرآن را باز کردم، دو سوم یا کل صفحه را خواندم و بعد رفتم برای امتحان. مرز قبولی هفتاد از صد بود.

آقای دباغ چند تا سؤال کردند و من هم خراب کردم. همین‌طور زیر لب توسلی به حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها پیدا کردم. بعد، همان صفحه را که خوانده بودم، آقای دباغ پرسید اگر این صفحه را نمی‌پرسید من رد شده بودم! نمره من هفتاد شد. برای من خیلی خاطره شیرینی بود که این‌گونه قبول شدم.

محمد مادرشاهی دوره راهنمایی که بودم، به من گفته بودند که هر موقع دلت خواست با یک نفر صحبت کنی، دو رکعت نماز بخوان. نماز، صحبت کردن بنده با خداست، هر وقت هم خواستی یک نفر با تو صحبت کند، قرآن بخوان. این جزو خاطرات شیرین من است که هر موقع دلم می‌گرفت و احساس سختی می‌کردم، می‌گفتم: خدایا الان با من صحبت کن، وقتی که قرآن را باز می‌کردم آیاتی که می‌آمد، همان چیزی بود که می‌خواستیم. احساس می‌کردم که خدا دارد با من صحبت می‌کند.

محمد هاشم‌پور بعضی‌ها حفظ قرآن را لازم نمی‌دانند می‌گویند لازم نیست طلبه‌ها حفظ قرآن داشته باشند، نکته‌ای بگویم از آقای حسن‌زاده آملی. ایشان در یکی از کتاب‌هایشان آورده‌اند که: وقتی سن من کم بود، شعرهای باباطاهر را حفظ می‌کردم، ای کاش یک نفر بود که به من می‌گفت قرآن را حفظ کن، الان افسوس می‌خورم! چنین تعبیری داشتند. کسی که می‌خواهد ادبیات فارسی، اشعار مولانا یا حافظ و سعدی را بخواند، مثلاً مولانا که یک جا می‌گوید: «ندای